**مبنای صلح و صلح مبنايي در آموزه های مولانا**

**ياسر ملكي**

 دانشجوي دكتراي علوم قرآن و حديث دانشگاه يزد

Yaser.maleki.ac@gmail.com

**چكيده**

«صلح گستری» كه از توصيه هاي مورد تاكيد اديان توحيدي است نتيجه کوشش هاي علمی و عملی تدريجي و هدفمند جهت رسیدن به شرایط امن و پایدار است. برقراري روابط صلح آميز و به دور از تنش هاي كلامي و رفتاري رويدادي است كه به خودی خود شکل نمی گیرد بلکه از منطق و قاعده مندی های حاكم بر مناسبات انساني تبعيت مي كند.آن چه در دوران زندگی انسان مدرن شاهد آن هستیم بی ثباتی و آشفتگي فراگیري است كه با گذشت زمان و به رغم پیشرفت های عظيم علمی و صنعتي به شدت و گستردگي آن افزوده شده است. گويا چنین به نظر می رسد که خاستگاه صلح را- با همه انواع و ابعادی که دارد- باید در لایه های عمیق تر و پنهان تری جستجو کرد. اين كه کانون اصلی درگیری ها و نزاع های انسانی در کجاست و چگونه می توان از بروز بی ثباتی و ناامنی در تمامی قلمروهای ارتباطی پیشگیری نمود؟ از جدي ترين پرسش هاي است كه پيش روي دين پژوهان و انسان شناسان قرار دارد. آن چه در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت جستجو و تامل در آموزه هاي اخلاقي و عرفاني جناب مولانا به عنوان يكي از بزرگ ترين عارفان ايراني اسلامي است. مولانا به عنوان عارفي انسان شناس و مسلط به قواعد جان بشر، توصيه ها و رهنمودهاي ارزنده اي در پيشگيري و درمان روابط بيمار و تنش آلود دارد.در این مقاله با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، اطلاعات مورد نیاز با مطالعه و كاوش در آثار مولانا به ويژه از مثنوي معنوي گرد آوري شده و مورد تجزيه و تحليل قرار گرفته است.

واژگان كليدي:صلح، مباني صلح، صلح مبنايي، صلح در انديشه مولانا